

کاندیداتوری مدنی و علت رأی بالای او

به رغم اطلاع‌رسانی ما درباره ریاست او در انتخابات اولین دوره ریاست جمهوری در ۴ بهمن ۱۳۵۸ نامزد شد و دو، سه میلیون هم رأی آورد. آن موقع دو عامل موجب شد تا افساگری علیه مدنی، چندان روی انتخابات تأثیر نداشته باشد؛ یکی اینکه میزان افرادی که روزنامه می‌خواندند، بسیار کم بود و تیراژ روزنامه‌ها نیز بالا نبود. ما در روزنامه اطلاعات، کیهان و روزنامه انقلاب اسلامی مطالبی را علیه مدنی منتشر کردیم که خیلی دیده نشد. دلیل دوم فضای رقابت بود. آن موقع به علت اینکه بنی صدر به شدت برای ریاست جمهوری فعال بود، فضایی دوقطبی در جو عمومی کشور پدید آمده بود و چه بسا کسانی که این مطالب را در روزنامه انقلاب اسلامی، که صاحب امتیاز آن بنی صدر و رقیب مدنی بود، می‌دیدند آن را باور نمی‌کردند. حتی تأثیر محکوم هم می‌گذاشت چون بحالت مظلومیتی برای مدنی به وجود آمد. این مظلومیت بعد از شکست او در انتخابات ریاست جمهوری بیشتر هم شد. از آنجا که او تبلیغات قوی و پرهزینه‌ای کرده بود و بیعت‌هایی با افراد مختلف انجام داده بود و مردم هم او را می‌شناختند، باعث شد تا در انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی، که کمتر از دو ماه بعد از انتخابات ریاست جمهوری در اسفند ۱۳۵۸ برگزار شد، به او رأی دهند. اطلاعاتی را که ما با محوریت آقای رشیدیان و آقای کیاوش جمع آوری کرده بودیم، بیشترین نقش را در افساگری علیه او داشت. این اطلاعات به ۱۲۰۰ صفحه نیز رسیده بود. آقای رشیدیان و نماینده‌های خوزستان توانستند با همین اطلاعات از تأیید اعتبارنامه او در مجلس جلوگیری کنند و ردصلاحیت شد. در نتیجه وقتی که هم در انتخابات ریاست جمهوری و هم مجلس کاری از پیش نبرد، راه دیگری جز فرار برایش باقی نماند؛ چرا که با آن اطلاعات می‌توانستند حتی او را دادگاهی و محاکمه کنند.

اولین تجربه کار سیاسی مهم و تأثیرگذار من در آن هشت، نه ماه اول انقلاب، تمرکز روی افشای جریان مدنی بود. به این دلیل می‌گویم جریان مدنی که او تنها نبود؛ بلکه جریان مدنی بود که ریشه در ارتش و نیروی دریایی، روحانیت، بازار و سران عشایر داشت. این جریان کاملاً هم حرفه‌ای کار می‌کرد و اگر رئیس جمهور می‌شد، تبعات منفی آن می‌توانست خیلی بیشتر از رئیس جمهور شدن بنی صدر باشد؛ چون مدنی دیکتاتوری‌های خاص خودش را داشت. قبلاً اشاره کردم که در یکی از نوارها که با خانمش صحبت می‌کرد، با لحن سخفی نام حضرت امام را ذکر کرده و گفته بود اولین کاری که بعد از رئیس جمهور شدن باید انجام بدهیم، این است که او را به قم ببریم تا در فیضیه درس بدهد و در کارها دخالت نکند. نباید ما اجازه بدهیم روحانیت نباید کارها را به دست بگیرد، کار باید دست ما باشد.

آورد، تمام تمرکزمان را روی حذف او گذاشتیم. همچنین به لحاظ خصوصیاتی که داشت، شانس او را برای رسیدن به ریاست جمهوری بالا می‌دانستیم. او هم سید و روحانی زاده بود و هم از نظر تحصیلات دکترا داشت. همچنین تیمسار دریادار بود و از فرماندهان ارشد نظامی کشور محسوب می‌شد. توانمندی خوبی را هم از خود نشان داده بود و سعی می‌کرد وجهه خوبی از خود به نمایش بگذارد. پول زیادی هم خرج کرده و سازمان‌دهی زیادی نیز انجام داده بود. با سران عشایر بیعت و آنها را با اسلحه و پول تجهیز کرده بود. ما فکر می‌کردیم حتماً برای ریاست جمهوری انتخاب می‌شود و یک رضاشاه دیگر درست می‌شود و این برای کشور یک فاجعه است. برای همین نیروی‌مان را با تمام ظرفیت برای افشای چهره واقعی مدنی گذاشته بودیم و به این فکر نمی‌کردیم که مثلاً چه کس دیگری ممکن است انتخاب شود و می‌خواستیم فقط مدنی انتخاب نشود. یعنی فکری می‌کردیم چهره اصلی اوست و اگر آن افساگری‌ها را نمی‌کردیم، می‌توانست برعکس شود یعنی او اول شود و بنی صدر دوم. کارهای گسترده‌ای که آن موقع انجام شد، بالاخره موجب حذف حمایت حاج احمدآقا، آقای اشراقی، آقای خزعلی و علمای قم از مدنی شد. حتی به ما گفتند علیه او افساگری کنید و کمک کردند که این افساگری پخش شود و در دسترس عموم قرار گیرد. فکر می‌کنم جاهای دیگر هم کارهای زیادی صورت گرفت که به حذف مدنی از ریاست جمهوری منجر شد. فکری می‌کنم آن زمان نیروهای حزب الهی و متدین به علت نداشتن سازمان‌دهی و تشکیلات نمی‌دانستند چه باید بکنند و از چه کسی حمایت کنند؛ مثلاً اگر حزب جمهوری اسلامی جلال‌الدین فارسی را کاندیدا می‌کرد، این نیروها هم حمایتش می‌کردند، ولی مثلاً وقتی که حسن حبیبی را معرفی نکرد، این نیروها هم چون او را نمی‌شناختند و نمی‌دانستند که چقدر ظرفیت و توانمندی دارد، بلا تکلیف می‌ماندند؛ بنابراین تقریباً نیروهای حزب الهی و متدین نمی‌توانستند تشخیص بدهند چه کسی می‌تواند ظرفیت رئیس جمهور شدن را داشته باشد. من به عنوان فرماندار در حد خودم در جریان‌ها سیاسی حضور داشتم و مطلع بودم و به همین علت در ذهنم به جز حذف مدنی به هیچ چیز دیگری فکر نمی‌کردم. اصلاً یادم نمی‌آید به این فکر کرده باشم که اگر او نباشد، چه کسی به جای او برای ریاست جمهوری مناسب است؟ ما می‌گفتیم این آدم فاسد، دو رو، ضد امام و ضد روحانی و وابسته است و اگر رئیس جمهور شود، کشور را خراب می‌کند. فقط او نباشد، حالا هر کس دیگری رأی آورد، مانعی ندارد. ما از همه ظرفیت‌ها برای حذف مدنی استفاده کردیم و هیچ فکر جایگزینش را نکرده بودیم.



قضیه خلق عرب که پیش آمد، تیمسار مدنی دستور داده بود، تکاوران نیروی دریایی خرمشهر پنج نفر را به عنوان کسانی که در شلوغی‌های شهر خرمشهر عامل بوده‌اند. در حادثه‌ای یکی، دو نفر کشته شده بود.

دستگیر کنند. بعد از دستگیری این پنج نفر نیز با فشار زیادی که آورده بود، اصرار عجیبی داشت که مجوز اعدام آنها را از آقای شیخ علی تهرانی، حاکم شرع خوزستان و آقای ستاریان، دادستان اهواز بگیرد. شیخ علی تهرانی مجوزی نداده و به مشهد رفته بود. مدنی من را صدا کرد و گفت من تجربه نظامی دارم، شیخ علی تهرانی نمی‌فهمد. اگر بخواهند این افراد را محاکمه کنند، شش ماه طول می‌کشد، ولی اگر الان این پنج نفر اعدام بشوند، غائله تمام می‌شود و ما می‌شویم ناجی خوزستان



واکنش شهید بهشتی به تخلفات مدنی

کسی را فرستادم و آن نوار را برای آیت الله دکتر بهشتی برد و جریان را برای ایشان توضیح داد. آقای بهشتی گفته بود شما مواردی را که راجع به عملکرد ایشان دارید، تدوین و مکتوب کنید و بفرستید. حتی آماده باشید که هر وقت من به شما گفتم از طریق مطبوعات هم اعلام کنید. من قوت قلبی گرفتم و فهمیدم مطالبی که آقای خزعلی گفته بود، مورد تأیید همه نیست. شاید برداشت آن شب ایشان از صحبت‌های آقای مدنی بود که خودش را نزد او خیلی قوی و کارهایش را پرزنگ جلوه داده بود. کسی هم نبود که آنجا نقدی از او کند. مدنی کارهای دیگری هم کرده بود، از جمله برای پوستر تبلیغات ۳۰ میلیون تومان هزینه کرده یا به سران عشایر پول داده بود و رفت و آمدهای مشکوکی هم با خارجی‌ها انجام می‌داد و خبرنگاران خارجی را برای دیدن خرمشهر و اهواز آورده بود. همچنین افراد زیادی از داخل و خارج کشور ملاقات‌هایی با او انجام می‌دادند و در سطح یک رئیس جمهور با او مذاکره می‌کردند. مدنی هم تا حدودی به سخن حساس شده بود و شاید می‌دانست این کارهای علیه او را من انجام می‌دهم. در خیلی از جلسات سعی می‌کرد که من حضور نداشته باشم و به نوعی من را دنبال کاری می‌فرستاد.



بش

جو ناسیونالیستی و نظامی و غیراسلامی حاکم بر استانداری خوزستان و کارشکنی‌هایی که در انجام امور عمرانی و کارهای انقلابی می‌شود.

عدم همکاری استانداری با جهاد سازندگی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان خوزستان.

ضدانقلاب نامیدن هر معترض و منتقدی از طرف استانداری.

توطئه و پرونده‌سازی استانداری خوزستان علیه عناصر مسلمان و مؤمن به انقلاب و متفرق کردن آنها. حمایت علنی و رسمی استانداری خوزستان از شاپور بختیار و جبهه‌گیری در برابر روحانیت مترقی و جوانان مسلمان انقلابی.

بی توجهی به حفاظت مرزها با توجه به گزارش‌های مکرر که به ورود اسلحه و ناامنی منجر شده است.

تضعیف سپاه پاسداران انقلاب و امتناع از پرداخت حقوق و امکانات و به کار نگرفتن نیروهای پاک و انقلابی آنان.

ایجاد کمیته استحقاقی از درجه‌داران و سربازان ارتش و پرداخت حقوق کلان و امکانات و استفاده از آنان به عنوان گارد جاویدان.

انتصاب فرمانداران و شهرداران نظامی در شهرهای مختلف استان خوزستان.

اعزام افرادی به خارج از کشور به منظور سخنرانی و پخش اعلامیه در رابطه با ریاست جمهوری مدنی در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا.

حمایت آقای صادق قطب‌زاده از استانداری خوزستان و سانسور خبرها و تبلیغات گسترده رادیو و تلویزیون به نفع ایشان.

جو ناسیونالیستی و نظامی و غیراسلامی حاکم بر استانداری خوزستان و کارشکنی‌هایی که در انجام امور عمرانی و کارهای انقلابی می‌شود.

عدم همکاری استانداری با جهاد سازندگی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان خوزستان.

ضدانقلاب نامیدن هر معترض و منتقدی از طرف استانداری.

گزارش اسلحه و مهماتی که در زمان تصدی اینجانب به سپاه پاسداران انقلاب و کمیته‌ها تحویل شده، همه موجود است و گزارش آن به استانداری و مراجع دیگر داده می‌شود. همین‌طور بودجه‌ای که در اختیار فرمانداری بوده با کمال احتیاط صرف هزینه شده و اسناد آن موجود است و ظرف مدت ۱۰ روز تسویه حساب کامل به عمل خواهد آمد. لیست کارهای عمرانی انجام شده در پنج صفحه به اطلاع عموم خواهد رسید.

من سوابق مهمی درباره مدنی مکتوب و مدون کرده بودم و به استاد آن سوابق این موارد را مطرح کرده بودم. با کمک او پرونده اشاره کرده بودم که دلایل و مدارک و نوار و شواهد زنده کافی به منظور ارائه به مردم را در هر مرجع اسلامی دارم. آن اعلام جرم تکلیف کار را خیلی روشن کرد و ما آن را به تهران بردیم و در جلسه‌ای در مجلس خبرگان به همراه آقای کیاوش، آقای رشیدیان و آقای هادی غفاری مدارک و اسناد را مطرح کردیم. بعد هم مدنی بخواهد رئیس جمهور شود، بتواند کاری نکند تا صلاحیتش رد شود.

مجلس خبرگان در محلی که بعداً جلسات مجلس شورای اسلامی در آن تشکیل می‌شد، برگزار می‌شد. دقیقاً یادم هست که در آن جلسه وقتی که موضوع را مطرح کردم، برای‌شان مسأله بسیار جالب و مهم بود و مدارک و مستندات را که ارائه کردم، مدارک خیلی مهمی بودند. در آن جلسه تصمیم‌گیری شد که اگر او بخواهد رئیس جمهور بشود، جلوگیری را بکنند و از این کار ممانعت کنند، چون تصویری که ارائه دادیم این بود که مدنی مخالف حضرت امام و روحانیت است، فردی وابسته به خارج است و اگر بیاورد دیگر مثل رضاشاه را سر کار آورده‌ایم منتها با این فرق که رضاشاه بی‌سواد بود و این یک آدم باسواد و وابسته به خانواده روحانیت است. برای تکمیل اسناد و مدارک

عدم توزیع عادلانه و منطقی بودجه استان و ندادن اعتبار کافی جهت احیای روستاها و صرف بودجه‌های کلان در شهرستان‌های بزرگ استان.

پرداخت هزینه‌های چاپ، اعلامیه و پوستر تبلیغات ریاست جمهوری از بیت‌المال مسلمانین.

دستگیری مردم بی‌گناه و انجام چند اعدام سفارشی جهت تحکیم موقعیت سیاسی استانداری خوزستان.

ایجاد گروه ترور و ارباب‌به سرپرستی رضایی، محافظ استانداری خوزستان.

سیاست غلط استانداری در برخورد با مسائل منطقه موجب کشتار مردم و حوادث خونین این استان.

برخورد نظامی و سلطه‌گرانه و غیراسلامی با مسائل به جای داشتن برخوردی اسلامی، سیاسی و مردمی و انقلابی.

گزارش تخلفات استانداری خوزستان به خبرگان

گزارش اسلحه و مهماتی که در زمان تصدی اینجانب به پاسداران انقلاب و کمیته‌ها تحویل شده، همه موجود است و گزارش آن به استانداری و مراجع دیگر داده می‌شود. همین‌طور بودجه‌ای که در اختیار فرمانداری بوده است با کمال احتیاط صرف هزینه شده و اسناد آن موجود است و ظرف مدت ۱۰ روز تسویه حساب کامل به عمل خواهد آمد. همچنین لیست کارهای عمرانی انجام شده در پنج صفحه به اطلاع عموم خواهد رسید. من سوابق مهمی درباره مدنی مکتوب و مدون کرده بودم و به استناد آن سوابق این موارد را مطرح کردم. در پایان اعلامیه جرم هم اشاره کرده بودم که دلایل و مدارک و نوار و شواهد زنده کافی به منظور ارائه به مردم را در هر مرجع اسلامی دارم. آن اعلام جرم تکلیف کار را خیلی روشن کرد و ما آن را به تهران بردیم و در جلسه‌ای در مجلس خبرگان به همراه آقای کیاوش، آقای رشیدیان و آقای هادی غفاری مدارک و اسناد را مطرح کردیم تا اگر مدنی بخواهد رئیس جمهور شود، بتواند کاری نکند تا صلاحیتش رد شود.

انتخابات ریاست جمهوری

در اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۵۸، من و برخی از دوستان و همفکرانم که فکری می‌کردیم مدنی رأی خواهد